

بِسْمِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

نکات کلیدی
آیین دادرسی
مدنی



تدوین: امید ولدخانی وکیل پایه یک دادگستری

انتشارات چتر دانش



نشر چتر دانش

- ◀ سرشناسه : ولدخانی، امید، ۱۳۶۶ -
- ◀ عنوان قراردادی : ایران، قوانین و احکام Iran. Laws, etc.
- ◀ عنوان و نام پدیدآور : نکات کلیدی آیین دادرسی مدنی/تدوین امید ولدخانی.
- ◀ مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۴۰۲.
- ◀ مشخصات ظاهری : ۲۷۶ ص.
- ◀ شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۰۸-۵
- ◀ وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- ◀ یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۷۷.
- ◀ موضوع : آیین دادرسی مدنی -- ایران -- راهنمای آموزشی(عالی)
Civil procedure -- Iran-- Study and teaching(Higher)
آیین دادرسی مدنی -- ایران Iran -- Civil procedure
- ◀ رده بندی کنگره : KMH1۷۱۰
- ◀ رده بندی دیویی : ۳۴۷/۵۵۰۷۶
- ◀ شماره کتابشناسی ملی : ۹۲۲۷۴۰۲
- ◀ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

- نام کتاب : نکات کلیدی آیین دادرسی مدنی
- ناشر : چتر دانش
- تدوین : امید ولدخانی
- نوبت و سال چاپ : اول - ۱۴۰۲
- شمارگان : ۱۰۰۰
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۰۸-۵
- قیمت : ۱۶۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری و اوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.



سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده‌اند و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفه ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست موضوعی

کلیات	نکته ۱
باب اول: در صلاحیت دادگاه ها	نکته ۲۰
فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه ها	نکته ۲۰
فصل دوم: اختلاف در صلاحیت ذاتی و ترتیب حل آن	نکته ۵۵
باب دوم: وکالت در دعاوی	نکته ۶۲
باب سوم: دادرسی نخستین	نکته ۸۸
فصل اول: دادخواست	نکته ۸۸
مبحث اول: تقدیم دادخواست	نکته ۸۸
مبحث دوم: شرایط دادخواست	نکته ۹۲
مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست	نکته ۹۶
مبحث چهارم: پیوسته‌های دادخواست	نکته ۱۰۵
فصل دوم: بهای خواسته	نکته ۱۱۶
فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی	نکته ۱۳۰
مبحث اول: جریان دادخواست	نکته ۱۳۰
مبحث دوم: ابلاغ	نکته ۱۳۵
مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی	نکته ۱۶۷
فصل چهارم: جلسه دادرسی	نکته ۱۹۱
فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست	نکته ۲۱۶
فصل ششم: امور اتفاقی	نکته ۲۲۸
مبحث اول: تأمین خواسته	نکته ۲۲۸
مبحث دوم: ورود شخص ثالث	نکته ۲۶۴

مبحث سوم: جلب شخص ثالث	نکته ۲۷۳
مبحث چهارم: دعوای متقابل	نکته ۲۸۴
مبحث پنجم: اخذ تأمین اتباع دولت های خارجی	نکته ۲۹۰
فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه	نکته ۲۹۸
مبحث اول: تأمین دلیل	نکته ۲۹۸
مبحث دوم: اظهارنامه	نکته ۳۰۸
فصل هشتم: دعوای تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت	نکته ۳۱۱
فصل نهم: سازش و درخواست آن	نکته ۳۵۰
مبحث اول: سازش	نکته ۳۵۰
مبحث دوم: درخواست سازش	نکته ۳۶۳
فصل دهم: رسیدگی به دلایل	نکته ۳۷۴
مبحث اول: کلیات	نکته ۳۷۴
مبحث دوم: اقرار	نکته ۳۹۵
مبحث سوم: اسناد	نکته ۴۱۲
الف- مواد عمومی	نکته ۴۱۲
ب - انکار و تردید	نکته ۴۳۰
ج - ادعای جعلیت	نکته ۴۳۶
د- رسیدگی به صحت و اصالت سند	نکته ۴۴۴
مبحث چهارم: گواهی	نکته ۴۶۰
مبحث پنجم: معاینه و تحقیق محلی	نکته ۴۸۸
مبحث ششم: رجوع به کارشناس	نکته ۵۰۷
مبحث هفتم: سوگند	نکته ۵۳۵

مبحث هشتم: نیابت قضایی	نکته ۵۷۶
فصل یازدهم: رأی	نکته ۵۹۱
مبحث اول: صدور و انشای رأی	نکته ۵۹۱
مبحث دوم: ابلاغ رأی	نکته ۶۰۷
مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی	نکته ۶۱۳
مبحث چهارم: واخواهی	نکته ۶۲۱
مبحث پنجم: تصحیح رأی	نکته ۶۳۷
مبحث ششم: دادرسی فوری	نکته ۶۴۳
باب چهارم: تجدیدنظر	نکته ۶۶۶
فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر	نکته ۶۶۶
فصل دوم: آرای قابل تجدید نظر	نکته ۶۶۹
فصل سوم: مهلت تجدیدنظر	نکته ۶۷۷
فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی	نکته ۶۸۱
فصل پنجم: جهات تجدیدنظر	نکته ۶۹۷
باب پنجم: فرجام خواهی	نکته ۷۱۸
فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی	نکته ۷۱۸
مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام	نکته ۷۱۸
مبحث دوم: موارد نقض	نکته ۷۲۴
مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی	نکته ۷۳۱
مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی	نکته ۷۵۰
مبحث ششم: اقدامات پس از نقض	نکته ۷۶۵

مبحث هفتم: فرجام تبعی نکته ۷۸۰

فصل دوم: اعتراض شخص ثالث نکته ۷۸۵

فصل سوم: اعاده دادرسی نکته ۷۹۸

مبحث اول: جهات اعاده دادرسی نکته ۷۹۸

مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی نکته ۸۰۹

مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی نکته ۸۱۶

باب ششم: مواعد نکته ۸۴۵

فصل اول: تعیین و حساب مواعد نکته ۸۴۵

فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد نکته ۸۵۶

باب هفتم: داوری نکته ۸۶۴

باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار نکته ۹۴۹

فصل اول: هزینه دادرسی نکته ۹۴۹

فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی نکته ۹۵۴

باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد نکته ۹۶۸

فصل اول: کلیات نکته ۹۶۸

فصل دوم: خسارات نکته ۹۸۱

فصل سوم: مستثنیات دین نکته ۹۹۰

فهرست

۱۵	کلیات
۲۲	باب اول: در صلاحیت دادگاهها.....
۲۲	فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها.....
۳۵	فصل دوم: اختلاف در صلاحیت ذاتی و ترتیب حل آن.....
۳۸	باب دوم: وکالت در دعاوی.....
۴۵	باب سوم: دادرسی نخستین.....
۴۵	فصل اول: دادخواست.....
۴۵	مبحث اول: تقدیم دادخواست.....
۴۶	مبحث دوم: شرایط دادخواست.....
۴۷	مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست.....
۵۰	مبحث چهارم: پیوستهای دادخواست.....
۵۳	فصل دوم: بهای خواسته.....
۵۸	فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی.....
۵۸	مبحث اول: جریان دادخواست.....
۶۰	مبحث دوم: ابلاغ.....
۶۹	مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی.....
۷۵	فصل چهارم: جلسه دادرسی.....
۸۱	فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست.....
۸۴	فصل ششم: امور اتفاقی.....
۸۴	مبحث اول: تأمین خواسته.....
۹۴	مبحث دوم: ورود شخص ثالث.....

۹۶.....	مبحث سوم: جلب شخص ثالث.....
۹۹.....	مبحث چهارم: دعوای متقابل.....
۱۰۰.....	مبحث پنجم: اخذ تأمین اتباع دولت‌های خارجی.....
۱۰۳.....	فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه.....
۱۰۳.....	مبحث اول: تأمین دلیل.....
۱۰۵.....	مبحث دوم: اظهارنامه.....
۱۰۶.....	فصل هشتم: دعوای تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت.....
۱۱۵.....	فصل نهم: سازش و درخواست آن.....
۱۱۵.....	مبحث اول: سازش.....
۱۱۹.....	مبحث دوم: درخواست سازش.....
۱۲۲.....	فصل دهم: رسیدگی به دلایل.....
۱۲۲.....	مبحث اول: کلیات.....
۱۲۶.....	مبحث دوم: اقرار.....
۱۳۰.....	مبحث سوم: اسناد.....
۱۴۲.....	مبحث چهارم: گواهی.....
۱۴۸.....	مبحث پنجم: معاینه و تحقیق محلی.....
۱۵۲.....	مبحث ششم: رجوع به کارشناس.....
۱۵۸.....	مبحث هفتم: سوگند.....
۱۶۷.....	مبحث هشتم: نیابت قضایی.....
۱۷۰.....	فصل یازدهم: رأی.....
۱۷۰.....	مبحث اول: صدور و انشای رأی.....
۱۷۴.....	مبحث دوم: ابلاغ رأی.....

۱۷۵	مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی
۱۷۸	مبحث چهارم: واخواهی
۱۸۱	مبحث پنجم: تصحیح رأی
۱۸۳	مبحث ششم: دادرسی فوری
۱۸۹	باب چهارم: تجدیدنظر
۱۸۹	فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر
۱۸۹	فصل دوم: آرای قابل تجدیدنظر
۱۹۳	فصل سوم: مهلت تجدیدنظر
۱۹۴	فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی
۱۹۷	فصل پنجم: جهات تجدیدنظر
۲۰۳	باب پنجم: فرجام خواهی
۲۰۳	فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی
۲۰۳	مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام
۲۰۵	مبحث دوم: موارد نقض
۲۰۶	مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی
۲۱۱	مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی
۲۱۲	مبحث پنجم: مهلت فرجام خواهی
۲۱۴	مبحث ششم: اقدامات پس از نقض
۲۱۷	مبحث هفتم: فرجام تبعی
۲۱۸	فصل دوم: اعتراض ثالث
۲۲۲	فصل سوم: اعاده دادرسی
۲۲۲	مبحث اول: جهات اعاده دادرسی

۲۲۵	مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۲۲۷	مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی
۲۳۶	باب ششم: مواعد
۲۳۶	فصل اول: تعیین و حساب مواعد
۲۳۹	فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد
۲۴۲	باب هفتم: داوری
۲۶۴	باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار
۲۶۴	فصل اول: هزینه دادرسی
۲۶۵	فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی
۲۷۰	باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
۲۷۰	فصل اول: کلیات
۲۷۴	فصل دوم: خسارات
۲۷۷	فصل سوم: مستثنیات دین
۲۸۲	منابع

علائم اختصاری

- ❖ ق.ا قانون اساسی
- ❖ ق.م قانون مدنی
- ❖ ق.ت قانون تجارت
- ❖ ل.ا.ق.ت لایحه‌ی اصلاح قانون تجارت
- ❖ ق.ا.م قانون مجازات اسلامی
- ❖ ق.آ.د.م قانون آیین دادرسی مدنی
- ❖ ق.آ.د.ک قانون آیین دادرسی کیفری
- ❖ ق.ا.ح قانون امور حسبی
- ❖ ق.ا.ا.م قانون اجرای احکام مدنی
- ❖ ق.ج.ر قانون جرائم رایانه‌ای
- ❖ ق.ح.خ قانون حمایت خانواده
- ❖ ق.ص.ج قانون صدور چک
- ❖ ق.و قانون وکالت
- ❖ ق.ث.ا قانون ثبت احوال
- ❖ ق.ن.ر.ق قانون نظارت بر رفتار قضات
- ❖ ق.ت.آ.د.د.ع.ا قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری
- ❖ ق.ت.د.ع.ا قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
- ❖ ر.ک رجوع کنید

پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

ستایش بی آرایش، یکتا دارایی را سزد که هستی همه از تابش اوست.

«آیین دادرسی مدنی»، مجموع اصول و قواعدی است که خواهان در مقام «طرح» امور حسبی، دعاوی مدنی و بازرگانی، خوانده در مقام «دفاع» و دادگاه در مقام «رسیدگی و صدور رأی»، مکلف به رعایت آن‌ها هستند. لذا، اصول و مقررات مذکور، مکمل و متمم آن دسته از مقررات حقوقی است که حقوق و تعهدات اشخاص و حدود آن را تعیین می نماید؛ زیرا چنانچه حقوق مورد اشاره به وسیله‌ی دیگران تضییع یا انکار شود، مدعی این‌گونه حقوق، با اجرای مقررات آیین دادرسی مدنی، می تواند شناسایی یا اجرای آن را از دادگاه تقاضا نماید. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، دانستن مقررات آیین دادرسی مدنی موجب می شود تا حقوقدانان، دادرسان، وکلاء و مشاوران حقوقی، در مقام احقاق حقوق اشخاص، با گام‌های مؤثر و عملی‌تری اجرای آن را تضمین نمایند.

بر همین اساس، از جمله مواد امتحانی آزمون پذیرش متقاضیان پروانه‌ی کارآموزی وکالت «آیین دادرسی مدنی» است؛ زیرا کانون وکلای دادگستری بدین طریق قصد دارد تا میزان آگاهی داوطلبان آزمون فوق را در زمینه‌ی مقررات آیین دادرسی مدنی مورد ارزیابی قرار دهد و بالطبع کسانی از این آزمون سربلند بیرون می‌آیند که آگاهی نسبتاً قابل قبولی به این قبیل مقررات دارند و می‌توانند در طرح دعاوی مربوطه و دفاع از حقوق حقه‌ی موکل، عملکرد مطلوبی داشته باشند.

با عنایت به اهمیت فراوان آیین دادرسی مدنی در قبولی داوطلبان در آزمون مذکور و وسعت مطالب مربوط به آن، تدوین و انتشار کلیه این مطالب به طور خلاصه و نکته ای در مجموعه ای منسجم (۱۰۰۰ نکته) بسیار ضروری است. از سوی دیگر بدیهی است، ارائه‌ی مطالب فوق، به صورت خلاصه، آن هم به زبانی روان و بی‌تکلف می‌تواند گام مهمی در میزان آگاهی داوطلبان به شمار آمده و مطمئناً در توفیق آنان بی‌تأثیر نخواهد بود. مجموعه نکات حاضر در پی تحقق اهداف مذکور فراهم شده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از جناب آقای فرزاد دانشور مدیر فرهیخته و محترم مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش که امکان انتشار این کتاب را فراهم نمودند و همچنین از راهنمایی‌ها و معاضدت‌های دوست محترم جناب آقای احد شاهی دامن جانی، نهایت سپاس و امتنان را داشته باشم.

امید ولدخانی

مهر ۱۳۹۴

◆ کلیت ◆

◆ **نکته ۱** ◆ مطابق ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دعاوی و موضوعاتی که در مقام رسیدگی تابع اصول و مقررات این قانون هستند، عبارتند از:

۱- کلیه دعاوی مدنی: دعاوی مدنی در مفهوم اعم آن، به معنای دعاوی ناشی از روابط حقوقی اشخاص به جز روابط تجاری آنها می‌باشد.

۲- دعاوی بازرگانی: دعاوی است که به نحوی مربوط به معاملات تجاری می‌باشد.

۳- امور حسبی: اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند؛ بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعاوی از طرف آنها باشد.

۴- سایر مراجعی که به موجب قانون، موظف به رعایت آن هستند: اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی از عموم و کلیت برخوردار است، از این رو در هر مورد که قواعد خاص وضع نشده باشد، به کار گرفته می‌شود.

● (مرتبط با ماده ۱ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۲** ◆ بررسی رعایت مقررات و تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی در سایر قوانین:

الف) قانون امور حسبی: مطابق ماده ۲ ق.ا.ح، رسیدگی به این امور تابع مقررات وضع شده در این قانون است، مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شده باشد. بنابراین، مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در امور حسبی در مواردی حاکمیت دارد که ق.ا.ح نسبت به آن حکمی نداشته باشد.

ب) قانون شوراهای حل اختلاف: مطابق ماده ۱۷ ق.ش.ح.ا مصوب ۱۴۰۲، در مواردی که در این قانون حکمی تعیین نشده است، آیین دادرسی و ترتیبات رسیدگی، صدور رأی و اجرای احکام دادگاه صلح حسب مورد تابع قوانین و مقررات حاکم بر دادگاه‌های حقوقی و کیفری است. همچنین ترتیب اقدامات سازشی در شورا مطابق آیین‌نامه‌ای تعیین می‌شود که توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری وزارت دادگستری و مرکز تهیه می‌شود و به تصویب

رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ج) قانون حمایت خانواده: مطابق ماده ۸ ق.ح.خ، رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.

د) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری: مطابق مواد ۱۰ به بعد ق.ت.آ.د.د.ع.ا، رسیدگی در دیوان عدالت اداری تابع مقررات خود قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری است، مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شده است. مانند تبصره ۲ ماده ۱۶، بند ب ماده ۶۲، تبصره ماده ۹۷، بند ۳ ماده ۱۱۱ و ماده ۱۲۲ ق.ت.آ.د.د.ع.ا.

ر) قانون آیین دادرسی کیفری: مطابق ماده ۱۵ ق.آ.د.ک، مطالبه‌ی ضرر و زیان ناشی از جرم و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

● (مرتبط با ماده ۱ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳** ◆ برای اقامه‌ی دعوا، چهار شرط لازم است: ۱- منجّز بودن حقّ مورد ادعا ۲- ذی‌نفع بودن مدعی ۳- محرز بودن سمت از حیث اصالت و نمایندگی ۴- دارا بودن اهلیت قانونی.

- برخی از حقوقدانان، وجود حقّ منجّز را از شرایط پیروزی دعوا قلمداد نموده‌اند. همچنین بیان شده است که، تقدیم دادخواست از شرایط لازم برای شروع رسیدگی دادگاه و بررسی وجود یا عدم شرایط دعوا محسوب می‌گردد، نه از جمله شرایط اقامه‌ی دعوا (ر.ک: دکتر عبدا... شمس، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، ج ۱، ش ۵۰۲ الی ۵۰۴).

● (مرتبط با ماده ۲ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۴** ◆ نفع به مفهوم سود، منفعت، بهره و مقابل ضرر و زیان آمده است. ذی‌نفعی خواهان به این معناست که، در صورت صدور حکم علیه خواننده، باید نفعی نصیب خواهان گردد. در واقع شخصی که اقامه‌ی دعوا می‌نماید باید توجیه کند که اگر دعوای اقامه شده، به صدور حکم علیه خواننده بینجامد، قابلیت این را دارد که سودی به او برساند.

● (مرتبط با ماده ۲ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۵** ◆ شخص در صورتی ذی‌نفع در دعوا شمرده می‌شود که نفع ادعا شده: ۱ - حقوقی و مشروع باشد، بدین معنی که مورد حمایت قانونگذار باشد؛ ۲ - به وجود آمده و باقی باشد، بدین معنی که وجود نفع برای خواهان منوط به وجود شرط یا معلق به وقوع امری نباشد (استثناء ماده ۱۱۴ ق.آ.د.م)؛ ۳ - شخصی و مستقیم باشد، بدین معنی که شخص در صورتی می‌تواند اقامه‌ی دعوا نماید که نفعی شخصی و مستقیم، در صورت احراز حق اصلی مورد ادعا، نصیب او شود (استثناء ماده ۶ ق.ح.خ).

● (مرتبط با ماده ۲ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۶** ◆ شرایط استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی عبارتند از: ۱ - قوانین موضوعه کامل یا صریح نباشند؛ ۲ - قوانین موضوعه متعارض باشند (این مورد فقط شامل تعارض قوانین می‌شود، به طوری که نتیجه‌ی عمل به هر یک عکس نتیجه‌ی عمل به دیگری باشد)؛ ۳ - اصلاً قانونی در قضیه‌ی مطروحه وجود نداشته باشد.

● (مرتبط با ماده ۳ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۷** ◆ چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، نمی‌تواند برخلاف قانون رأی بدهد؛ بلکه فقط می‌تواند با این استدلال که قانون خلاف فتوای اوست، پرونده را برای ارجاع به شعبه‌ی دیگر، ضمن صدور قرار امتناع از رسیدگی نزد رئیس حوزه‌ی قضایی ارسال دارد.

- مطابق نظر برخی از حقوقدانان، با توجه به اصل ۴ ق.ا که تشخیص شرعی یا غیر شرعی بودن قوانین بر عهده‌ی شورای نگهبان است، لذا تبصره ماده ۳ ق.آ.د.م، از این لحاظ مورد انتقاد به نظر می‌رسد. همچنین این امر می‌تواند موجب تشتت آراء گردد (ر.ک: دکتر علی مهاجری، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۹۵، ش ۱۶).

● (مرتبط با تبصره ماده ۳ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۸** ◆ موظف بودن دادگاه‌ها به تعیین تکلیف نسبت به هر دعوا به طور خاص، مطابق اصل ۱۶۶ ق.ا، بدین معنی است که احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. در غیر این صورت، حکم مزبور در مرحله‌ی بالاتر قابل نقض خواهد بود.

● (مرتبط با ماده ۴ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۹** ◆ مطابق ماده ۵ ق.آ.د.م، اصل بر قطعیت آراء (اعم از حکم و قرار) است، مگر در مواردی که در قانون قابلیت نقض و تجدیدنظر نسبت به آن پیش بینی شده باشد (موارد مصرّح در مادّتين ۳۳۱ و ۳۳۲ ق.آ.د.م).

● (مرتبط با ماده ۵ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۱۰** ◆ آرای دادگاه صلح، قطعی است مگر در مواردی ذکر شده در تبصره ۵ ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ که قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است. همچنین مطابق ماده ۲۵ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲: «اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا و نیز اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و تصمیم شورا قابل طرح در دادگاه صلح همان حوزه قضائی است و چنانچه تصمیم یا گزارش اصلاحی توسط مرجع رسیدگی به اعتراض نقض شود، مرجع مذکور موظف است رأساً به پرونده رسیدگی و رأی صادر کند. همچنین بر طبق ماده ۶۵ ق.ت.آ.د.د.ع.ا، کلیه آراء شعب بدوی دیوان عدالت اداری قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر می‌باشد.

● (مرتبط با ماده ۵ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۱۱** ◆ عقود و قراردادهایی که در دادگاه‌ها قابل ترتیب اثر نیستند عبارتند از: ۱- عقود و

قراردادهایی که مخل نظم عمومی باشند. نظم عمومی در حقوق داخلی به معنای رعایت قواعد آمرای است که هدف از وضع آن‌ها حفظ منافع عمومی می‌باشد. ۲- عقود و قراردادهایی که مخالف اخلاق حسنه باشد. اخلاق حسنه، موازین اخلاقی است که نقض آن از سوی مردم آن کشور ناپسند شمرده می‌شود. ۳- عقود و قراردادهایی که مغایر با موازین شرع (مخالف صریح قانون) باشند (مستنبط از مواد ۱۰ و ۹۷۵ ق.م).

● (مرتبط با ماده ۶ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۱۲** ◆ رسیدگی ابتدایی در مرجع بالاتر از مرحله بدوی ممنوع است. در واقع، اصل بر این است که به ماهیت هیچ دعوی تا زمانی که در مرحله نخستین نسبت به آن حکمی صادر نشده است، نمی‌توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود مگر اینکه قانون تجویز کرده باشد. منظور از مرحله بالاتر، مرحله تجدیدنظر است که رسیدگی ماهوی می‌نماید و همچنین مرحله فرجام که صرفاً رسیدگی در آن به صورت شکلی می‌باشد.

● (مرتبط با ماده ۷ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۱۳** ◆ مواردی که در قانون تجویز شده است (استثنائات) عبارتند از: ۱- دعاوی طاری ورود ثالث و جلب ثالث (دعای تقابل و اضافی در صورتی که در مرحله بدوی نسبت به آن رسیدگی نشده باشد، بر طبق مفاد ماده ۳۶۲ ق.آ.د.م، در مرحله تجدیدنظر قابل طرح نیستند، زیرا ادعای جدید محسوب می‌گردند). ۲- رسیدگی به مطالبه خسارت ناشی از قرار تأمین خواسته صادره از دادگاه تجدیدنظر. ۳- دعوای ابطال رأی داوری ارجاعی از سوی دادگاه تجدیدنظر.

● (مرتبط با ماده ۷ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۱۴** ◆ صراحت ماده ۷ ق.آ.د.م، ناظر به حکم است. بنابراین پرونده‌ای که نسبت به آن قرار صادر شده است، قابل رسیدگی ماهوی در مرحله بالاتر نیست. چنانچه مطابق ماده

۳۵۳ ق.آ.د.م، دادگاه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد شکایت را مطابق با موازین قانونی تشخیص دهد، آن را تأیید می‌کند. در غیر این صورت پس از نقض، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده‌ی قرار عودت می‌دهد.

● (مرتبط با ماده ۷ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۱۵** ◆ اصل بر اجرای احکام دادگاه‌هاست، به این معنا که مقامات رسمی، اعم از مقامات دادگستری و سایر مقامات دولتی حق تغییر یا جلوگیری از اجرای حکم دادگاه را ندارند، مگر دادگاهی که حکم را صادر نموده و یا مرجع بالاتر آن هم منحصراً در مواردی که در قانون توسط قانونگذار تجویز شده باشد (در غیر این صورت مقام مستنکف مطابق ماده‌ی ۵۷۶ ق.م.ا، مستحق مجازات است).

● (مرتبط با ماده ۸ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۱۶** ◆ ماده ۸ ق.آ.د.م، در بردارنده‌ی قاعده‌ی فراغ دادرس است. بر اساس این قاعده، هرگاه دادرس نسبت به دعوای مطروحه اقدام به صدور رأی مقتضی نماید، پس از انشای رأی، دیگر حق دخل و تصرف یا اعمال تغییرات در آن را، حتی با وجود رضایت اصحاب دعوا، ندارد. البته بر این قاعده استثنائاتی نیز وارد است: ۱- تصحیح و اصلاح رأی در صورت وجود سهو قلم یا اشتباه در محاسبه (مطابق ماده ۳۰۹ ق.آ.د.م) ۲- رسیدگی وخواهی ۳- اعتراض شخص ثالث ۴- اعاده‌ی دادرسی ۵- در صورت خطای تصمیم در امور حسبی در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد (مطابق ماده ۴۰ ق.ا.ح). بنابراین، قانون‌گذار در موارد فوق به دادگاه اجازه داده که حکم خود را تغییر دهد.

● (مرتبط با ماده ۸ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۱۷** ◆ آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان است، مگر اینکه قوانین مزبور خلاف شرع شناخته شود.

- دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا تعهدات یا قراردادهای اقامه می‌شود، تابع قوانین مجری موقع انعقاد آنهاست، مگر این که دلایل مذکور از ادله‌ی شرعیه‌ای باشد که مجری نبوده و یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد.

- دلایلی که برای اثبات وقایع خارجی از قبیل ضمان قهری، نسب و غیره اقامه می‌شود، تابع قوانین مجری موقع طرح دعواست.

- قوانین حاکم بر آیین تهیه، ارائه و به‌کارگیری ادله، تابع قوانین مجری در زمان رسیدگی است، حتی اگر قوانین مزبور جدید التصویب باشند.

● (مرتبط با ماده ۹ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۱۸** ◆ مقررات مربوط به سازمان قضاوتی و صلاحیت ذاتی، آمره محسوب شده و اثر فوری داشته و شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردند. همچنین، قوانین آیین دادرسی مدنی به معنای اخص (مانند مواعد قانونی از قبیل مهلت واخواهی و تجدیدنظر خواهی) نیز اصولاً اثر فوری داشته و عطف به‌ماسبق می‌گردند، مگر در مواردی که عطف به‌ماسبق نمودن آنها به حقوق مکتسبه‌ی افراد خلل وارد آورد (از جمله قوانین مرتبط در این خصوص می‌توان به ماده ۱۱ ق.م.ا، و ماده ۴ ق.م، اشاره نمود).

● (مرتبط با ماده ۹ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۱۹** ◆ مقررات لاحق در دیوان عالی کشور مورد عنایت قرار نمی‌گیرد (مستتب از ماده ۳۷۲ ق.آ.د.م)، ولیکن در صورت نقض رأی مورد فرجام‌خواهی، دادگاه مرجوع الیه موظف به اجرای قوانین جدید است.

● (مرتبط با ماده ۹ ق.آ.د.م)

◆ باب اول: در صلاحیت دادگاه‌ها ◆

◆ فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها ◆

◆ **نکته ۲۰** صلاحیت ذاتی هنگامی مطرح می‌شود که مرجعی صالح به رسیدگی به دعوایی باشد و آن دعوا در هیچ مرجع دیگر قابل رسیدگی نباشد. در صلاحیت ذاتی سه معیار صنف، نوع و درجه‌ی دادگاه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. مراجع قضایی از لحاظ صنف به مراجع قضایی و اداری، از لحاظ نوع به عمومی و اختصاصی (مانند نظامی، انقلاب، خانواده و ...) و از لحاظ درجه به بدوی و تجدیدنظر تقسیم می‌شوند. از ویژگی‌های قواعد صلاحیت ذاتی، آمره بودن، عدم لزوم ایراد و قابلیت طرح در تمام مراحل دادرسی است (وجود صلاحیت ذاتی، در موقع صدور رأی و وجود صلاحیت محلی، در موقع اقامه‌ی دعوا لازم است).

● (مرتبط با ماده ۱۰ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۲۱** در صلاحیت نسبی، پس از اِعمال مقررات صلاحیت ذاتی، دادگاه صالح به لحاظ صلاحیت محلی مشخص می‌گردد. لذا در صورتی که دادگاه صلاحیت نسبی نداشته باشد، در صورت ایراد طرفین، قرار عدم صلاحیت صادر خواهد شد. در صورتی که دادگاه بدوی صلاحیت نسبی نداشته باشد و این امر نیز مورد ایراد طرفین قرار نگیرد، دادگاه می‌تواند رأساً قرار عدم صلاحیت صادر کند؛ البته رسیدگی هم می‌تواند بنماید. در واقع دادگاه در این حالت، تکلیف به رسیدگی ندارد ولی حق رسیدگی می‌تواند داشته باشد.

● (مرتبط با ماده ۱۰ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۲۲** اصل بر صلاحیت مراجع قضایی عمومی است، مگر در مواردی که در قانون نسبت به آن تصریح شده باشد. مانند:
الف) صلاحیت دادگاه صلح مطابق ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ در دعاوی زیر است:

- ۱- دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال (که رئیس قوه قضائیه هر سه سال یکبار می‌تواند، نصاب مذکور را با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود، تعدیل کند).
- ۲- دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق (البته طبق تبصره ۴ ماده ۲۰ این قانون: «رسیدگی به دعاوی راجع به اموال غیرمنقول که فاقد سند رسمی هستند، صرفاً در صلاحیت مرجع صالح قضائی است»؛ بنابراین چنین استنباط می‌گردد، صلاحیت شورا در رسیدگی به دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق محدود به اموال غیرمنقولی است که دارای سند رسمی هستند)
- ۳- دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (۱) این ماده در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱،۱۲،۰۱ نباشد.
- ۴- دعاوی و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره‌بها به‌جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب یا پیشه یا تجارت
- ۵- اسرار از پرداخت محکوم به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.
- ۶- حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن (دقت شود، دعوی تقسیم ترکه در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است)
- ۷- تأمین دلیل
- ۸- تقاضای سازش موضوع ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹،۰۱،۲۱ (به استثنای دعاوی ذکر شده در ماده ۱۱ این قانون)
- ۹- جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی
- ۱۰- جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت
- ۱۱- دعاوی اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (به استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است)، الزام به اخذ پایان کار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام).
- ب) صلاحیت شورای حل اختلاف، صرفاً در امر صلح و سازش می‌باشد (ماده ۱۴ قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲).

ج) صلاحیت دیوان عدالت اداری به عنوان مرجع عمومی اداری و عالی ترین آن مطابق مواد ۱۰ و ۱۲ این قانون.

د) صلاحیت اداره ثبت محل وقوع ملک نسبت به دعوای افراز ملکی که جریان ثبتی آن خاتمه یافته باشد، مگر اینکه بین شرکاء محجور یا غائب باشد یا در مورد ماترک متوفی که در این صورت در صلاحیت دادگاه عمومی است.

ر) دعوای ابطال دستور اجرای سندی که از اجرا ثبت صادر شده است در صلاحیت دادگاه عمومی محل مرجعی است که دستور اجرا را صادر نموده است.

ط) الزام شهرداری به صدور پروانه ساختمان در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

و) صلاحیت دادرسی و دادگاه های ویژه روحانیت نسبت به کلیه جرائم و اعمال خلاف شأن روحانیون، کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد. و همچنین کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی ماموریت داده می شود، می باشد. بنابراین به دعوای حقوقی علیه روحانیون در دادگاه عمومی مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی خواهد شد.

● (مرتبط با ماده ۱۰ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳۳** ◆ اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است. بر این اساس، خواهان وظیفه دارد برای اقامه دعوا به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه نماید. البته اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد. و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوای دادگاهی اقامه می شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد.

- مطابق مواد ۴۸ و ۴۹ ق.ا.ح: امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد، دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه، سکنی دارد برای امور قیمومت صالح است. هرگاه محجور در

خارج ایران اقامت یا سکنی داشته باشد امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است. - مطابق مواد ۱۲ و ۱۳ ق.ح.خ: در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه‌ی دعوی کند، مگر در موردی که خواسته، مطالبه‌ی مهریه‌ی غیرمنقول باشد. همچنین هرگاه زوجین دعای موضوع صلاحیت دادگاه خانواده را علیه یکدیگر در حوزه‌های قضایی متعدد مطرح کرده باشند، دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده است، صلاحیت رسیدگی را دارد. چنانچه دو یا چند دادخواست در یک روز تسلیم شده باشد، دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعای زوجه را دارد به کلیه‌ی دعاوی رسیدگی می‌کند.

● (مرتبط با ماده ۱۱ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۷۴** ◆ اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. همچنین هیچکس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد (مواد ۱۰۰۲ و ۱۰۰۳ ق.م).

- اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره‌ی شخص حقوقی در آنجا است. اشخاص حقوقی تابعیت همان مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است (مواد ۵۹۰ و ۵۹۱ ق.ت) - اقامتگاه زوجه همان اقامتگاه زوج است، مگر اینکه زن ناشزه باشد یا اینکه پس از ازدواج همچنان در محل قبلی خود سکونت داشته و به منزل زوج نرفته باشد. همچنین زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و زنی که با رضایت شوهر خود و یا به اجازه‌ی محکمه مسکن علیحده اختیارکرده، می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد (ماده ۱۰۰۵ ق.م). - اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آن‌ها است (ماده ۱۰۰۶ ق.م). - اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آن‌ها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آن‌ها خواهد بود (۱۰۰۹).

● (مرتبط با ماده ۱۱ ق.آ.د.م)

◆ نکته ۲۵ ◆ دادگاه صالح در دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول:

الف) دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق (اعم از حق انتفاع و حق ارتفاق)، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است.

ب) دعاوی مطالبه‌ی وجه مربوط به مال غیرمنقول که ناشی از عقد و قرارداد نباشد، اجرت المثل و خسارات وارده به ملک، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است.

ج) دعاوی راجع به تعهد به انتقال مال غیرمنقول (مانند الزام به تنظیم سند رسمی ملک) یا تکمیل و تسلیم آن، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است.

د) هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم است در صورتی که مالک زمین و ادوات یکی باشد و این ادوات به کشاورزی اختصاص داده شده باشند، از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال، غیرمنقول (حکمی) محسوب و دعاوی راجع به آن، در صلاحیت دادگاه محل وقوع اموال مزبور است.

هـ) دعاوی تولیت و اعتراض به رأی تحقیق اوقاف نسبت به مال غیرمنقول موقوفه، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول (مال موقوفه) است.

ی) دعاوی مربوط به حق سرقتی، حق تحجیر و تقسیم مال غیرمنقول، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است (دعاوی بطلان تقسیم در صلاحیت دادگاهی است که تقسیم توسط آن به عمل آمده است).

● (مرتبط با ماده ۱۲ ق.آ.د.م.)

◆ نکته ۲۶ ◆ دادگاه صالح در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قرارداد ناشی شده است:

الف) خواهان در دعاوی بازرگانی (عملیات موضوع مواد ۲ و ۳ ق.ت) و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قرارداد ناشی شده باشد، مختار است به دادگاه یکی از سه حوزه‌ی زیر مراجعه نماید: ۱- مطابق اصل به دادگاه محل اقامت خوانده. ۲- دادگاهی که عقد یا قرارداد در حوزه‌ی آن واقع شده است. ۳- دادگاهی که تعهد باید در حوزه‌ی آن انجام شود.

ب) دعوای راجع به مطالبه‌ی دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره‌ی عین مستأجره؛ حتی اگر مبیع یا عین مستأجره از اموال غیر منقوله باشد، از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است.

ج) در دعوای راجع به چک، مطابق رأی وحدت رویه ۶۸۸-۱۳۸۵/۰۳/۲۳-نظر به اینکه چک با وصف فقدان طبع تجاری، از جهت اقامه مشمول قواعد مربوط به بروات می‌گردد، لذا از این منظر به لحاظ صلاحیت از مصادیق ماده ۱۳ ق.آ.د.م به شمار می‌رود. بنابراین دارنده‌ی چک می‌تواند جهت اقامه‌ی دعوا به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد؛ یعنی محل صدور چک، یا به دادگاه محل انجام تعهد، یعنی محل استقرار بانک محالاً علیه و یا با عنایت به قاعده‌ی عمومی صلاحیت نسبی موضوع ماده ۱۱ ق.آ.د.م، برای اقامه‌ی دعوی به دادگاه محل اقامت خواننده مراجعه کند.

د) در دعوای راجع به مطالبه‌ی مهریه، مطابق رأی وحدت رویه ۷۰۵-۱۳۸۶/۰۸/۰۱-نظر به اینکه مهر نیز از عقد نکاح ناشی شده و به دلالت ماده ۲۰ ق.م، کلیه‌ی دیون از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است. بنابراین، زوجه می‌تواند جهت اقامه‌ی دعوا برای مطالبه‌ی مهریه به دادگاه محل وقوع عقد نکاح، محل انجام تعهد زوج مبنی بر کارسازی مهریه و مطابق قواعد عمومی به محل اقامت زوج مراجعه نماید. همچنین مطابق ماده ۱۲ ق.ح.خ در صورتی که مهریه از اموال غیر منقول نباشد، زوجه می‌تواند جهت اقامه دعوا به دادگاه محل سکونت خود مراجعه نماید.

● (مرتبط با ماده ۱۳ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۲۷** ◆ دعوای راجع به اسناد بهادار در وجه حامل، حق تألیف و مالکیت صنعتی و تجاری (حقوق معنوی) منقول محسوب می‌گردند و در صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده می‌باشند.

● (مرتبط با ماده ۱۳ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۲۸** ◆ رسیدگی به درخواست تأمین دلیل، با توجه به بند ۷ ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ در صلاحیت دادگاه صلح است؛ که طبق مقررات حاکم بر دادگاه‌های

حقوقی، در صلاحیت دادگاه صلح، محلی است که دلایل و امارات در حوزه آن واقع شده است.

● (مرتبط با ماده ۱۴ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۲۹** ◆ در دعایی که موضوع آن مربوط به مال منقول و غیرمنقول باشد، در صورتی که دعوا در هر دو قسمت ناشی از یک منشأ باشد، خواهان فقط مجاز به طرح دعوا در دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول خواهد بود.

● (مرتبط با ماده ۱۵ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳۰** ◆ هرگاه خوانندگان یا اموال غیرمنقول مورد دعوا متعدد بوده و در حوزه های قضایی مختلف باشند؛ در این صورت خواهان مخیر است که جهت اقامه ی دعوا به هر یک از دادگاه های حوزه های یاد شده مراجعه نماید.

- حق انتخاب مربوط به آن دسته از دعوی است که مشمول قاعده ی عمومی صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده یا محل وقوع مال غیرمنقول می شوند، که با اقامه دعوا پایان می پذیرد.
- وجود این حق منوط به آن است که خواسته ی خواهان متعدد نباشد. بنابراین اگر خواهان نسبت به هر خواننده ادعایی جدای از ادعای خود نسبت به خواننده ی دیگر داشته باشد، دیگر حق استفاده از امتیاز یاد شده را ندارد. زیرا آنچه وی مطرح می کند، بیش از یک ادعاست.

● (مرتبط با ماده ۱۶ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳۱** ◆ دعوی طاری در صورتی که تنها حائز یکی از شرایط ذیل باشد، در دادگاهی اقامه می شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است:

- ۱- دعوی طاری با دعوی اصلی مرتبط باشد (بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری باشد. مانند دعوی مطالبه ی نفقه و تمکین).
- ۲- دعوی طاری با دعوی اصلی دارای یک منشأ باشد (مانند دعوی مطالبه ی اُجور مُعَوَّقه و هزینه ی شارژ ساختمان).

- برای افزایشِ خواسته، وجود هر دو شرط مذکور لازم است، بدین معنی که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی هم داشته باشد.

● (مرتبط با ماده ۱۷ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳۲** ◆ در دعوی طاری در صورت وجود شرایط، دادگاه حتی اگر صلاحیت نسبی نداشته باشد به آن رسیدگی می‌نماید، ولیکن اگر صلاحیت ذاتی نداشته باشد، با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را حسب مورد به دادگاه صالح یا مرجع تعیین صلاحیت ارسال می‌نماید و در صورتی که رسیدگی به دعوی اصلی منوط به تعیین و تکلیف نسبت به دعوی طاری باشد، رسیدگی را تا حصول نتیجه نسبت به دعوی طاری متوقف می‌نماید (صدور دستور توقف دادرسی علی الاصول در وقت احتیاطی صورت می‌پذیرد). بنابراین، اقامه‌ی دعوی طاری، در هر صورت باید در دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی صورت پذیرد، حتی اگر از صلاحیت ذاتی دادگاه بیرون باشد. اما رسیدگی به دعوی طاری، منوط به وجود صلاحیت ذاتی است.

● (مرتبط با ماده ۱۷ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳۳** ◆ اظهاراتی که در مقام دفاع مطرح می‌گردد (مانند احتساب یعنی محاسبه پرداخت، تهاتر، صلح، فسخ، ردّ خواسته و ...)، دعوی طاری محسوب نمی‌شود، بلکه باید بدون نیاز به تقدیم دادخواست ثابت شود.

● (مرتبط با ماده ۱۸ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳۴** ◆ دفاع به معنی اخص یا دفاع ماهوی، به هر نوع دفاعی گفته می‌شود که مستقیماً علیه حقّ اصلی مورد ادعای خواهان مطرح می‌شود تا غیر موجه یا بی‌اساس بودن ادعای آن در پی رسیدگی ماهوی، احراز و اعلام، و خواهان را از پیروزی بازدارد. بنابراین، دفاع مزبور در نفی حقّ ادعایی مدعی خلاصه می‌شود (رک: دکتر عبدا... شمس، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، ج ۱، ش ۸۴۰).

● (مرتبط با ماده ۱۸ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳۵** ◆ قرار اناطه از جمله قرارهای اعدادی محسوب می‌شود. قرار اناطه در مواردی صادر می‌شود که اثبات ادعایی در صلاحیت دادگاه دیگری بوده و صدور رأی در دعوای اصلی منوط به روشن شدن نتیجه‌ی آن باشد. لذا در این صورت رسیدگی به دعوای اصلی تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می‌گردد.

- اگر رسیدگی به دعوای اصلی متوقف بر ادعایی باشد که خواننده باید آن را در دادگاه صالح مطرح و ثابت نماید، در این صورت خواننده باید دعوی خود را در قالب ماده ۱۷ ق.آ.د.م در همان دادگاه رسیدگی کننده به دعوای اصلی اقامه نماید.

- مطابق ماده ۲۱ ق.آ.د.ک: هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست، و در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با تعیین ذی‌نفع و با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود.

● (مرتبط با ماده ۱۹ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳۶** ◆ در موارد صدور قرار اناطه، خواهان مکلف است ظرف یک ماه (از زمان ابلاغ اخطار دادگاه) در دادگاه صالح اقامه دعوا نماید و گواهی آن را به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم کند، در غیراین صورت، قرار رد دعوا صادر می‌گردد. البته خواهان در صورتی مکلف به اقامه‌ی دعوا در طی مهلت مقرر و تسلیم گواهی آن است که دعوا از پیش اقامه نشده باشد.

● (مرتبط با ماده ۱۹ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳۷** ◆ در موارد صدور قرار اناطه، ممکن است دعوای اصلی در دادگاه تجدیدنظر مطرح باشد و دعوای منوط به در دادگاه نخستین طرح گردد.

● (مرتبط با ماده ۱۹ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۳۸** ◆ اگر رسیدگی دادگاه منوط به اثبات ادعایی در یک مرجع اداری مانند اداره‌ی

ثبت باشد، رسیدگی متوقف نمی‌شود و دادگاه بدون الزام به طرح درخواست در مرجع اداری به رسیدگی ادامه می‌دهد (ر.ک: دکتر علی مهاجری، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۱۱۴، ش ۷۱).

● (مرتبط با ماده ۱۹ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۳۹** ◆ دعاوی راجع به ترکه‌ی متوفی تا زمانی که ترکه تقسیم نشده است، در صلاحیت دادگاهی است که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران در حوزه آن دادگاه بوده است و اگر در ایران اقامتگاه نداشته باشد با دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در حوزه‌ی آن است. و هرگاه متوفی در ایران محل سکنی نداشته باشد، دادگاهی صالح است که ترکه در آنجا واقع شده و اگر ترکه در جاهای مختلف باشد، دادگاهی که مال غیرمنقول در حوزه‌ی آن واقع است و اگر اموال غیرمنقول در حوزه‌های متعدد باشد صلاحیت با دادگاهی است که قبلاً شروع به اقدام کرده است (مواد ۱۶۳ و ۱۶۴ ق.ا.ح.).

● (مرتبط با ماده ۲۰ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۴۰** ◆ در صورتی که ترکه‌ی متوفی تقسیم شده باشد، دعاوی راجع به آن باید در دادگاهی اقامه شود که مطابق قواعد عمومی صلاحیت یا سایر مواد قانونی (مواد ۱۲ و ۱۳ ق.آ.د.م.) صالح می‌باشد.

● (مرتبط با ماده ۲۰ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۴۱** ◆ دعاوی بر متوفی اعم از دین یا عین، باید به طرفیت ورثه و یا نماینده‌ی قانونی آن‌ها اقامه شود، هرچند ترکه در ید وراث نباشد. در مواردی که برای ادای دیون متوفی وصی معین شده است، اثبات دین به طرفیت وصی و ورثه خواهد بود. در مورد ترکه‌ی متوفای بلاوارث که برای آن مدیر ترکه تعیین شده است، اثبات دین به طرفیت مدیر ترکه باید صورت پذیرد (مواد ۲۳۲، ۲۳۷ و ۲۳۸ ق.ا.ح.).

● (مرتبط با ماده ۲۰ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۴۲** ◆ در مورد دعاوی راجع به توقف یا ورشکستگی، اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته (شخص حقیقی) است، و در صورت فقدان اقامتگاه در ایران، دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که شخص ورشکسته در حوزهی آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.

- مطابق ماده ۴۱۹ ق.ت: از تاریخ حکم ورشکستگی، هرکس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی اعم از منقول یا غیرمنقول داشته باشد، باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند.

● (مرتبط با ماده ۲۱ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۴۳** ◆ اعلام توقف از سوی تاجر را نمی‌توان دعوا انگاشت. چنانچه صرف اظهار تاجر برای صدور حکم ورشکستگی او کافی است. لذا از این رو دعاوی توقف و درخواست حکم ورشکستگی به مواد برشمرده شده در ماده ۴۱۴ ق.ت محدود است (رک: دکتر عباس علی حیاتی، آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۵۵، ش ۱).

● (مرتبط با ماده ۲۱ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۴۴** ◆ دعاوی زیر باید در دادگاهی که مرکز اصلی شرکت در حوزهی آن واقع است اقامه گردد:

- ۱- دعاوی راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آن‌ها در ایران است.
- ۲- دعاوی مربوط به اصل شرکت.
- ۳- دعاوی بین شرکت و شرکاء (البته اگر موضوع دعوا مال غیرمنقول باشد، باید در دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول اقامه گردد).
- ۴- دعاوی ناشی از اختلافات حاصله بین شرکای شرکت.
- ۵- دعاوی اشخاص ثالث علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیهی امور شرکت در جریان است.

● (مرتبط با ماده ۲۲ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۴۵** ◆ در دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعاوی اشخاص ثالث علیه شرکت، در صورتی که دعاوی مذکور مربوط به مال غیر منقول باشد، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول خواهد بود (رأی وحدت رویه شماره ۶۴۳ مورخه ۱۶/۰۹/۱۳۷۸).

● (مرتبط با ماده ۲۲ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۴۶** ◆ پس از صدور حکم انحلال یا ورشکستگی شرکت، دعاوی باید به طرفیت مدیر یا مدیران تصفیه اقامه گردد.

● (مرتبط با ماده ۲۲ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۴۷** ◆ نسبت به دعاوی تعهدات شرکت در برابر اشخاص ثالث (خارج از شرکت)، دادگاه‌های زیر صالح به رسیدگی می‌باشند:

۱- دادگاهی که تعهد در حوزه‌ی آن واقع شده است. ۲- دادگاهی که کالا باید در حوزه‌ی آن تسلیم گردد. ۳- دادگاهی که پول باید در حوزه‌ی آن پرداخت شود.

- اختیار خواهان در انتخاب دادگاه، نافی صلاحیت دادگاهی نیست که مرکز اصلی شرکت در حوزه‌ی آن واقع شده است.

● (مرتبط با ماده ۲۳ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۴۸** ◆ در دعاوی ناشی از تعهدات شعبه‌ی شرکت نیز، خواهان می‌تواند به دادگاه محل وقوع یا اجرای تعهد و همچنین به دادگاهی که شعبه در حوزه‌ی آن واقع شده است مراجعه نماید؛ مگر اینکه شعبه‌ی یادشده برچیده شده باشد که در این صورت دعاوی در دادگاه محل مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.

● (مرتبط با ماده ۲۳ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۴۹** ◆ جواز اقامه‌ی دعوا به طرفیت شعبه در دادگاه محل استقرار آن به معنای جدا و مستقل بودن شخصیت حقوقی شعبه از شخصیت حقوقی شرکت نیست. لذا اگر شعبه، مطابق رأی دادگاه محکوم گردد و قادر به تأدیه‌ی محکوم‌به نباشد، قسمت اجرای احکام دادگاه می‌تواند به تقاضای محکوم‌له از اموال شرکت، حسب مورد با اعطای نیابت، نسبت به توقیف اموال و اجرای حکم قطعی اقدام نماید (مستفاد از نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۱۱۱۹ مورخه ۱۳۸۷/۰۲/۲۸.ح.ق.ق.).

● (مرتبط با ماده ۲۳ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۵۰** ◆ رسیدگی به دعوای اعسار نسبت به هزینه‌ی دادرسی علی‌الاصول در صلاحیت دادگاه بدوی است، مگر در خصوص رأی مورد فرجام‌خواهی، در صورتی که رأی مورد فرجام از دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد؛ که در این صورت دادگاه تجدیدنظر صالح به رسیدگی است.

● (مرتبط با ماده ۲۴ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۵۱** ◆ دعوای اعسار در مورد محکوم‌به در دادگاه نخستین رسیدگی‌کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادرکننده اجرائیه و به طرفیت محکوم‌له اقامه می‌شود (ماده ۱۳ ق.ن.ا.م.مصوب ۱۳۹۴).
- مطابق بند ۵ ماده ۱۲ ق.ش.ح.ا.مصوب ۱۴۰۲: ادعای اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد، در صلاحیت همان دادگاه است.

● (مرتبط با ماده ۲۴ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۵۲** ◆ طبق ماده ۱۴ ق.ن.ا.م.مصوب ۱۳۹۴، دعوای اعسار غیرمالی است و در مرحله بدوی و تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می‌شود (چنانچه در این ماده غیرمالی بودن دعوای اعسار به طور مطلق بیان شده و تفاوتی بین دعوای اعسار از محکوم‌به و هزینه‌ی

دادرسی گذاشته نشده است).

● (مرتبط با ماده ۲۴ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۵۳** ◆ نسبت به سند ثبت احوال، اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان است (ماده ۴ ق.ث.ا)؛ مگر اینکه:
الف) خواهان مقیم خارج باشد و محل تنظیم سند در ایران باشد، که در این صورت، دادگاه محل تنظیم سند در ایران صالح است.
ب) محل اقامت خواهان و محل تنظیم سند هر دو در خارج از ایران باشد؛ در این صورت دادگاه عمومی شهرستان تهران صالح است.

● (مرتبط با ماده ۲۵ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۵۴** ◆ دعاوی الزام به صدور شناسنامه، ابطال شناسنامه و تغییر محل تولد در صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان می‌باشد.
- مطابق تبصره‌ی ماده‌ی واحده‌ی قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها مصوب ۱۳۶۷: صاحب شناسنامه تنها یک بار و در صورتی که اختلاف سن واقعی با سن مندرج در اسناد سجلی به تشخیص کمیسیون ... بیش از پنج سال باشد می‌تواند سن خود را اصلاح نماید.

● (مرتبط با ماده ۲۵ ق.آ.د.م.)

◆ فصل دوم: اختلاف در صلاحیت ذاتی و ترتیب حل آن ◆

◆ **نکته ۵۵** ◆ مناط صلاحیت نسبی هنگام تقدیم دادخواست و مناط صلاحیت ذاتی حین صدور رأی است.

● (مرتبط با ماده ۲۶ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۵۶** ◆ مطابق اصل استقلال قضایی، تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت دادگاه برای رسیدگی نسبت به دعایی که به آن رجوع شده است با قاضی همان آن دادگاه می‌باشد. البته حدود استقلال قضایی را قانون تعیین می‌نماید.

- اصل عمومی بودن صلاحیت دادگاه و اصل صلاحیت عام مراجع دادگستری از جمله اصولی هستند که بر صلاحیت دادگاه حاکمیت دارند.

● (مرتبط با ماده ۲۶ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۵۷** ◆ دادگاه باید عدم صلاحیت خود را در قالب قرار عدم صلاحیت اعلام نماید. اثر قرار عدم صلاحیت، خارج شدن پرونده از دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا و ارسال پرونده به مرجع صلاحیتدار است. مرجع رجوع الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید.

● (مرتبط با ماده ۲۷ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۵۸** ◆ قرار عدم صلاحیت از قرارهای شبه قاطع دعوا محسوب می‌گردد. قرار عدم صلاحیت، چون مستقلاً قابل شکایت نمی‌باشد، به اصحاب دعوا ابلاغ نمی‌شود و در نتیجه تنظیم آن به شکل دادنامه ضرورت ندارد (اگرچه معمولاً به شکل دادنامه تنظیم می‌شود و توجیه آن خارج شدن پرونده از دادگاه و کسر آن از آمار است).

● (مرتبط با ماده ۲۷ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۵۹** ◆ حل تمام اختلافات در صلاحیت، با دیوان عالی کشور است، مگر:

الف) حل اختلاف دو دادگاه با صلاحیت ذاتی مشابه در یک حوزه قضایی، که حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر همان استان است.

ب) حل اختلاف بین دادگاه عمومی و تجدیدنظر همان استان، که نظر مرجع عالی یعنی دادگاه تجدیدنظر استان لازم الاتباع است.

ج) در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه‌های صلح و همچنین سایر مراجع قضائی و غیر قضائی به ترتیب زیر اقدام می‌شود:

- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضائی شهرستان‌های یک استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح با دادرها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی یک استان، حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر آن استان است.

- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضائی دو استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح و دادرها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضائی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده است.

- در مواردی که دادگاه صلح به صلاحیت مراجع غیر قضائی، از خود نفی صلاحیت کند، پرونده برای تعیین صلاحیت به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌شود، تشخیص آن مرجع لازم‌الاتباع است.

د) حل اختلاف بین مراجع اداری، که حل اختلاف با دیوان عدالت اداری است.

● (مرتبط با ماده ۲۸ و ۳۰ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۶۰** ◆ مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی، دیوان عالی کشور است.

● (مرتبط با ماده ۲۸ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۶۱** ◆ رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت به دلیل حساسیت مقنن نسبت به تعیین تکلیف سریع مسأله، در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، خارج از نوبت می‌باشد.

● (مرتبط با ماده ۲۹ ق.آ.د.م)

◆ باب دوم: وکالت در دعاوی ◆

◆ **نکته ۶۲** ◆ در دعاوی حقوقی، طرفین دعوا می‌توانند حداکثر تا دو نفر وکیل معرفی نمایند. - مطابق مواد ۱۹۰، ۳۴۶ و ۳۸۵ ق.آ.د.ک: متهم می‌تواند در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل، در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری دو، هر یک از طرفین می‌تواند حداکثر دو وکیل و در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کند.

● (مرتبط با ماده ۳۱ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۶۳** ◆ استفاده از نمایندگان حقوقی به جای وکلای دادگستری صرفاً برای وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی (مانند سپاه پاسداران) و موسسات عمومی غیردولتی (مانند هلال احمر و جهاد دانشگاهی)، شهرداری‌ها و بانک‌ها با وجود شرایط مقرر در امور حقوقی مجاز است. طبق ماده ۱۸ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲: «در موارد صلح و سازش استفاده از وکیل مدنی نیز در شورا مجاز است.»

● (مرتبط با ماده ۳۲ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۶۴** ◆ ایراد به سمت و صلاحیت نماینده‌ی حقوقی مسموع نیست؛ زیرا احراز صلاحیت با بالاترین مقام اداری است و فرض نیز بر این است که وی مقررات مربوط به تعیین نماینده را رعایت کرده است. البته اگر دادگاه فقدان شرایط را در نماینده‌ی حقوقی احراز نماید، مکلف به پذیرش نماینده‌ی مزبور نیست.

● (مرتبط با ماده ۳۲ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۶۵** ◆ مطابق قاعده، وکالت کسانی در دادگاه پذیرفته می‌شود که دارای پروانه‌ی وکالت باشند. در دیوان عدالت اداری نیز وکالت کسانی پذیرفته می‌شود که دارای پروانه‌ی وکالت باشند (ماده ۱۲۲ ق.ت.آ.د.ع.ا).

● (مرتبط با ماده ۳۳ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۶۶** ◆ در امور حسبی اشخاص ذی نفع می‌توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند. نماینده اعم از وکلای دادگستری یا غیر آن‌ها است (ماده ۱۵ ق.ا.ح.).

● (مرتبط با ماده ۳۳ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۶۷** ◆ در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید به گواهی یکی از مأمورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران برسد. در صورتی که وکالتنامه را مأموران کشور خارجی تنظیم کرده باشد، در حدود و با رعایت مواد ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶ ق.م. در دادگاه‌های ایران نیز معتبر خواهد بود.

● (مرتبط با ماده ۳۴ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۶۸** ◆ به طور استثنایی، در مورد وکالتنامه‌هایی که در زندان تنظیم شده است، وکیل حق تأیید امضای موکل خود را ندارد و امضا یا اثر انگشت زندانی باید توسط رئیس زندان یا معاون وی تصدیق شود.

● (مرتبط با ماده ۳۴ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۶۹** ◆ وکالت در دادگاه‌ها شامل تمام اختیارات راجع به دادرسی است، مگر مواردی که موکل استثناء کرده یا وکالت در آن‌ها ممنوع باشد. منظور از اختیارات راجع به دادرسی، اختیاراتی است که موکل و اصیل برای دفاع دارا هستند.
- سوگند، شهادت، اقرار، لعان و ایلاء قابل توکیل نمی‌باشد.

● (مرتبط با ماده ۳۵ ق.آ.د.م.)

◆ **نکته ۷۰** ◆ اگر شخصی طی سند رسمی به دیگری با حق توکیل، وکالت تام و مطلق بدهد،

ولی در وکالت نامه موارد ۱۴ گانه ماده ۳۴ ق.آ.د.م تصریح نشود، وکیل مزبور می‌تواند در همه امور به دیگری (وکیل دادگستری) وکالت دهد و موارد ۱۴ گانه را تصریح کند (ر.ک: دکتر عباس علی حیاتی، آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۹۳، ش ۲).

● (مرتبط با ماده ۳۵ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۷۱** ◆ وکالت در درخواست صدور برگ اجرایی، وکالت در تعقیب عملیات اجرایی، وکالت در اخذ محکوم‌به و وکالت در اخذ وجوه ایداعی (مانند خسارت احتمالی) از اموری است که باید در وکالتنامه قید شود. در خصوص قید وکالت در اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، به نظر می‌رسد که اطلاق عبارت وکالت در تعقیب عملیات اجرایی این امر را نیز دربر می‌گیرد، اگرچه در عمل دیده شده برخی از شعب اجرای احکام قید آن را لازم دانسته‌اند.

● (مرتبط با ماده ۳۶ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۷۲** ◆ موکل موظف است عزل وکیل را به دادگاه و همچنین به وکیل معزول اطلاع دهد. بنابراین اگر موکل عزل وکیل را به دادگاه اطلاع ندهد، دادرسی همچنان به نام وکیل ادامه خواهد یافت. اعلام عزل توسط خود وکیل به دادگاه با ارائه دلایل مثبت قابل استناد است.

● (مرتبط با ماده ۳۷ ق.آ.د.م)

◆ **نکته ۷۳** ◆ مبدأ بی‌اثر شدن اقدامات وکیل معزول، از تاریخ اطلاع دادگاه از عزل وکیل می‌باشد. بنابراین تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است اقدامات وی در حدود وکالت، در حق موکل مؤثر خواهد بود، مشروط بر اینکه دادگاه نیز از عزل وکیل مطلع نبوده باشد. لذا اگر اقدامات انجام شده بعد از تاریخ اطلاع دادگاه از عزل باشد، این اقدامات در حق موکل بی اثر خواهد بود.

● (مرتبط با ماده ۳۸ ق.آ.د.م)